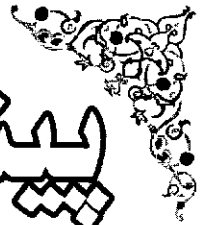
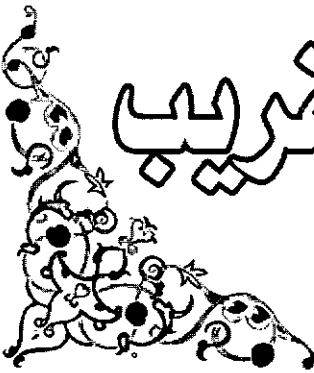




پښتونستان پوهنتون  
پښتانه علوم او مطالعات مرکز  
پښتانه علوم او مطالعات مرکز

# پښتانه علوم او مطالعات مرکز



## یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه وجهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر هججه‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن‌طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# آیت الله طالقانی؛ مجاهدی نستوه و تجسمی از وحدت و همدلی

عزالدین رضانزاد<sup>۱</sup>

## مقدمه

نوزده شهریور هر سال سالگرد رحلت مجاهدی نستوه، و عالمی جلیل القدر است که سراسر زندگی اش را به تحصیل، تدریس، تبلیغ، مبارزه و زندان و تبعید گذرانده است. شخصیت آیت الله طالقانی، ستودنی و آموزنده است. از ویژگی بارز ایشان، ایجاد وحدت و همدلی با اقشار مختلف جامعه در عرصه‌های گوناگون می‌باشد. با مروری بر اندیشه‌ها و عملکرد بیش از پنجاه سال ایشان، بیشتر با روح بلند و وحدت‌گرای وی آشنا می‌شویم.

## تولد و ایام کودکی

در تاریخ شنبه ۴ ربیع الاول سال ۱۳۲۹ هـ - ق مطابق با ۱۵ اسفند ماه ۱۲۸۹ ش، در روستای گلپرد از روستاهای مرکز طالقان (از توابع استان تهران) در خانواده‌ای روحانی و متدین پسری به دنیا آمد که نامش را «سید محمود» گذاشتند.

پدر وی، سید ابوالحسن طالقانی که از علمای برجسته تهران به شمار می‌رفت، تربیت فرزندش را بر عهده گرفت؛ پدری که حضرت امام خمینی علیه السلام دربارهٔ مقام و منزلت او چنین می‌گوید: «رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در رأس پرهیزکاران بود». (مجله پیام هاجر، سال ۱۸، شماره ۲۲۹، ص ۲۰). دربارهٔ زهد و پرهیزکاری سید ابوالحسن طالقانی، آیت الله سید حسین بدلا که با وی حشر و نشر داشته چنین می‌گوید: «... علی رغم این که محل رجوع عام و خاص مردم بود ولی به هیچ وجه من‌الوجه از وجوهات شرعی و سهم مبارک امام علیه السلام استفاده نمی‌کرد و زندگی روزمره خویش را به وسیله تعمیر ساعت تأمین می‌کرد».

([www.bashgah.net/index.php](http://www.bashgah.net/index.php))

روستای محل زندگی سید محمود، از مهم‌ترین روستاهای طالقان و در چهارده کیلومتری مرکز طالقان قرار دارد. ارتفاع این روستا ۲۲۲۴ متر از سطح دریا می‌باشد و بیش از دو قرن قدمت دارد.

۱- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه.

بافت مسکونی این روستا، متراکم و در شیئی ملایم قرار گرفته و بیشتر خانه‌های قدیمی در یک طبقه احداث شده است.

معابر روستا به دلیل وجود باغات سرسبز و درختان کهن به صورت کوچه باغ‌هایی زیبا درآمده است. این روستا به خاطر استقرار در کوهستان و آب و هوای معتدل و مطلوب، جلوه‌های طبیعی بسیار زیبایی دارد، به خصوص در فصل بهار و تابستان که پیرامون آن پوشیده از گیاهان و گل‌های معطر فراوانی است. منزل آیت الله طالقانی به صورت گلی و دارای سه اتاق و ایوان و یک حیاط کوچک می‌باشد و به دلیل برخورداری از ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی در فهرست آثار ملی قرار گرفته است. (برای دیدن تصاویری از روستا و خانه آیت الله طالقانی رک:

<http://kimiaairline.blogfa.com/post46.aspx>

### دوران تحصیل

سید محمود در سال ۱۲۹۴ هـ. ش به مکتب‌خانه روستای گلپرد رفته و پس از طی دوره، در سال ۱۲۹۸ هـ. ش روانه مدرسه ملارضا در میدان امین‌السلطان تهران شد و شروع به فراگیری دروس حوزوی نموده، در محله قنات آباد تهران ساکن گردید. وی پس از اندکی تحصیل در تهران، در سال ۱۳۰۰ هـ. ش وارد حوزه علمیه قم شد و ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه سکنی گزید. وی دروس سطح حوزه علمیه را نزد آیاتی چون نجفی مرعشی، ادیب تهرانی و حجت به پایان برد. بنا به گفته سید تقی طالقانی، سید محمود دارای هوشی فوق‌العاده بود و در مدت اندکی دروس سطح را به پایان رساند. وی می‌گوید: با آن که سید محمود خیلی جوان بود، سطح را تمام کرد و وارد حلقه درس آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم گردید. وی در کنار دروس فقه و اصول حوزه (که دروس معمول و رایج حوزه‌هاست و هر طلبه‌ای الزاماً آن را باید بخواند)، فلسفه و حکمت را نزد آیاتی هم‌چون تقی اشراقی و میرزا خلیل کمره‌ای فرا گرفت.

سید محمود در سال ۱۳۱۰ هـ. ش پدر خویش را در سن ۷۲ سالگی از دست داد و پس از پدر به وی پیشنهاد شد که در تهران امام جماعت مسجدی شد و به وعظ و خطابه مردم مشغول گردد. ولی از آن جا که او به درس و بحث علاقه داشت، ادامه تحصیل در حوزه را ترجیح داد و برای تکمیل تحصیلات خود عازم نجف اشرف گردید. در حوزه علمیه نجف از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدحسین غروی و آقا ضیاء عراقی بهره‌مند گردید در سال ۱۳۱۶ هـ. ش موفق به اخذ درجه اجتهاد و از دست مرجع بزرگ جهان تشیع آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی گردید. در قم نیز آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به وی اجازه استنباط و اجتهاد احکام الهی داد و از آیات عظام نجفی مرعشی و شیخ عباس قمی اجازه نقل حدیث و روایت دریافت نمود.

[www.bashgah.net/index.php](http://www.bashgah.net/index.php)

## آثار و تألیفات

آثار علمی و تألیفات آیت‌الله طالقانی مورد بهره‌برداری مجامع علمی است. آنچه از وی به صورت کتاب منتشر شده و کم و بیش در دسترس می‌باشد، افزون بر دوازده جلد است. البته مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و نوشته‌های متعدد ایشان در کتاب‌های مختلف چاپ و نشر یافته است. برای مثال، زندگی‌نامه ایشان که به وسیله خود وی نگارش یافته است در کتاب «طالقانی در زندان» به گردآوری بهرام افراسیابی چاپ گردیده است، می‌توان یاد کرد. مجموعه دیدگاه‌های وی نیز پس از آزادی از زندان (آبان ۵۷) تا رحلت ایشان در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ در مجموعه‌ای به نام «از آزادی تا شهادت» تدوین گشته است. به هر حال، آثار چاپ شده ایشان عبارت است از:

۱. گفتارهای رادیویی (مربوط به سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۶)؛
۲. ترجمه و توضیح بخشی از نهج‌البلاغه؛
۳. ترجمه جلد اول از کتاب «امام علی بن ابی طالب» اثر عبدالفتاح عبدالمقصود؛
۴. پرتویی از قرآن (شش جلد)؛
۵. اسلام و مالکیت؛
۶. مقدمه، خلاصه و توضیح کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» آیت‌الله نائینی؛
۷. به سوی خدا می‌رویم.

### سال‌شمار زندگی آیت‌الله طالقانی

- ۱۵ اسفند ۱۲۸۹: تولد در روستای گلپرد، از توابع طالقان؛
- ۱۲۹۴: ورود به مکتب‌خانه روستای گلپرد؛
- ۱۲۹۸: هجرت به تهران و سکونت در محله قنات‌آباد؛
- ۱۳۰۰: آغاز تحصیل در مدارس رضویه و فیضیه قم؛
- ۱۳۱۰: از دست دادن پدر؛
- ۱۳۱۰: هجرت به نجف اشرف و ادامه تحصیل نزد علمای بزرگ نجف؛
- ۱۳۱۶: بازگشت به تهران و آغاز تدریس در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) و ازدواج در همین سال؛
- ۱۳۱۸: آغاز مبارزه علیه حکومت طاغوت، دستگیری و حبس به مدت شش ماه؛
- ۱۳۲۰: تشکیل کانون اسلام، انتشار مجله دانش‌آموز، همکاری با گروه‌های مبارز؛
- ۱۳۲۷: آغاز فعالیت در مسجد هدایت و امام جماعت شدن در آن مسجد؛
- ۱۳۳۰: همکاری و حمایت از گروه‌های مختلف مبارز مثل «جبهه ملی» و «فدائیان اسلام»؛
- ۱۳۳۴: پیوستن به نهضت مقاومت ملی؛

۱۳۳۶: پناه دادن به تحت تعقیب قرار گرفتگان گروه «فدائیان اسلام» و زندانی شدن به همین دلیل؛  
 ۱۳۳۸: مسافرت به مصر به نمایندگی از طرف آیت الله بروجردی و رساندن پیام ایشان به شیخ شلتوت که شیخ دانشگاه الازهر و مفتی مصر بود، شرکت در کنگره اسلامی دارالتقریب قاهره، و ملاقات با جمال عبدالناصر؛

۱۳۳۹: تشکیل جلسات به منظور افشا و تحلیل مسائل اجتماعی کشور به همراه آیت الله مطهری؛  
 ۱۳۴۰: سفر به بیت المقدس به منظور شرکت در برنامه مؤتمر اسلامی، آشنا شدن با مشکلات و رنج‌های مردم آواره و ستم‌دیده فلسطین؛

۱۳۴۰: شرکت در تأسیس نهضت آزادی به همراه مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و ...؛  
 ۱۳۴۱ (سوم بهمن): بازداشت توسط مأموران رژیم شاه در منزل؛

۱۳۴۲: شرکت در قیام مردمی پانزدهم خرداد، انتشار اعلامیه معروف، مهیج و افشا کننده «دیکتاتور خون می‌ریزد!»، دستگیری مجدد وی؛

۱۳۴۶ (نهم آبان): آزادی از زندان؛

۱۳۵۰: تبعید به زابل و سپس بافت کرمان به مدت یک سال و نیم به علت حمایت از مردم فلسطین؛

۱۳۵۴: لو رفتن توسط گروهک سازمان مجاهدین خلق، دستگیری مجدد وی؛

۱۳۵۷: آزادی از زندان قصر؛

۱۳۵۷: سازمان‌دهی و راه‌اندازی راهپیمایی میلیونی تاسوعا و عاشورا، عضویت در شورای انقلاب؛

۱۳۵۸ (پنجم مرداد): منصوب شدن به عنوان اولین امام جمعه تهران از طرف حضرت امام خمینی رضی الله عنه؛

و خواندن اولین نماز جمعه در دانشگاه تهران؛

۱۳۵۸ (۱۶ مرداد): انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس خبرگان از سوی مردم تهران؛

۱۳۵۸ (۱۹ شهریور): رحلت به سوی دیار باقی پس از سال‌ها مبارزه، تبعید و زندانی شدن.

### فعالیت‌های علمی و فرهنگی - سیاسی

آیت الله سید محمود طالقانی پس از تحصیلات در قم و نجف در سال ۱۳۱۶ ش به تهران بازگشت و به تدریس علوم دینی در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری فعلی) پرداخت. در همین سال تشکیل خانواده داده، فعالیت‌های علمی و فرهنگی خویش را در آن‌جا آغاز نمود. خود وی در این باره چنین می‌گوید:

«پس از دوره تحصیل که بیشتر در حوزه قم بود و مدتی هم در نجف و دریافت اجازه اجتهاد از مراجع قم و نجف به اصرار دوستان و آشنایان به تهران برگشتم، چون احساس کردم که جوانان ما از جهت عقاید و ایمان در معرض خطر قرار گرفته‌اند و به پیروی از روش مرحوم پدرم جلساتی برای عده‌ای از جوانان و دانشجویان درباره بحث در اصول و تفسیر قرآن تشکیل دادم و در دنباله

این جلسات بعد از شهریور ۱۳۲۰ انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی تشکیل شد، مانند کانون اسلام، انجمن تبلیغات اسلامی، اتحادیه مسلمین، که هر کدام نشریات منظم و فراخور افکار و وضع روز بود. من با همه آنها برای پیشرفت تعالیم اصول اسلامی همکاری می‌کردم، قسمتی از تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه را در مجله آئین اسلام می‌نوشتم. این انجمن‌ها هر یک به سهم خود با فقر شرایط مادی و مانوس نبودن مردم با چنین اجتماعات و تبلیغات، آثار خوبی از خود نشان داد...» (افراسیابی، ۱۳۵۹، ص ۸).

طالقانی فعالیت علمی، فرهنگی و حتی سیاسی خود را با این پیش‌فرض آغاز کرد که اگر روحانیان و مجتهدان مصلح به جوانان مبارز و حرکت‌بخش طرح و نقشه مهندسی اجتماعی اسلام را ارائه ندهند، به طور طبیعی جوانان سرشار از انرژی و فعالیت به سمت امثال مارکس، لنین، و استالین جذب خواهند شد و از آنان پاسخ سؤال خود را خواهند خواست. طالقانی نسبت به جوانان، دیدی عاشقانه و مشفقانه داشت و اگر با جوانان، از هر مکتب و ایدئولوژیی که بودند، با مهربانی و نرم‌خویی رفتار می‌کرد به این دلیل بود که اعتقاد داشت جوان پاک است و زمینه رشد و تعالی و تکامل او بسیار است. به این ترتیب وی از شهریور ۱۳۲۰ به بعد فعالیت خویش را بیشتر در جبهه فرهنگی جهت ارائه اندیشه و معارف ناب اسلامی قرار داد. البته رژیم رضاخان نتوانست فعالیت فرهنگی وی را تحمل کند، از این رو به بهانه‌ای او را دستگیر و به مدت پنجاه روز زندانی نمود که در نهایت با ضمانت آزاد گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی (۱۳۱۷-۱۳۲۲) و به دنبال نفوذ روسیه در ایران و شورش کمونیست‌ها و تجزیه‌طلبان به رهبری پیشه‌وری، طالقانی از سوی علما و مجامع دینی و مذهبی به آن منطقه اعزام گردید و پس از بررسی مسائل و ده روز توقف در آن‌جا، زمینه مقاومت مردم در برابر تجزیه‌طلبان را فراهم نمود.

طالقانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد روش جدیدی در مبارزه بر ضد رژیم رضاخان در پیش گرفت و به کار جمع‌آوری نیروهای قدیمی اعم از اسلامی و ملی و تشکیل هسته‌های جدید مبارزات اسلامی پرداخت و موفق به تشکیل نهضت مقاومت ملی گردید که تا سال ۱۳۳۹ فعال بود. در این دوره عناصر ارزنده‌ای از این نهضت بازداشت شدند و خود طالقانی نیز به مدت یک سال زندان رفت.

طالقانی در این دوره علاوه بر فعالیت سیاسی و مذهبی در راستای نشر فرهنگ اسلامی، در مسیر پژوهش‌های سیاسی‌اش کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» آیت‌الله نائینی را با مقدمه و پاورقی و توضیحات خود به چاپ رساند. سپس دست به تألیف کتاب «اسلام و مالکیت» زد که در طی یک سال بنا به گفته خودش دوبار تجدید چاپ شد. (افراسیابی، پیشین، ص ۹).

در سال ۱۳۳۹ به دنبال شروع انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی، فعالیت‌های طالقانی به اوج خود رسید و مسجد هدایت (که وی امامت نماز جماعت آن و سخنرانی در آن را به عهده داشت) به ستاد مبارزاتی علیه استبداد و خفقان تبدیل گردید.

به دنبال اوج‌گیری این مبارزات، جلسات مسجد هدایت به وسیله عوامل رژیم سرکوب و تعطیل شد، اما جلساتی دیگر در منزل اشخاص مختلف تشکیل شده، طالقانی به همراه شهید مطهری در این جلسات به تحلیل مسائل اجتماعی و افشای رژیم می‌پرداختند. طالقانی در سال ۱۳۴۰ در تشکیل نهضت آزادی مشارکت نموده و در همان سال به زندان افتاد.

پس از آزادی از زندان، بار دیگر به خاطر اعتراض به رژیم شاه در مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و سپس طرح رفراندوم رژیم جهت اظهار نظر درباره اصول و لوایح شش‌گانه ارائه شده از سوی شاه به مردم، به اتفاق جمعی دیگر از روحانیون، در روز سوم بهمن ماه ۱۳۴۱ دستگیر و راهی زندان قزل قلعه شد.

رژیم شاه پس از حدود پنج ماه، طالقانی را در اوایل خرداد ۱۳۴۲ آزاد کرد و ایشان از موقعیت آزادی استفاده کرده، در دهه محرم ۱۳۴۲ در مسجد هدایت به مبنی رفته و به نقد برنامه‌های امریکایی انقلاب سفید پرداخت و با نوشتن و نشر اعلامیه‌ای خطاب به افسران ارتش، دست به افشاگری و روشن‌گری زد. پیرو این فعالیت‌ها، بار دیگر دستگیر گردیده و در ۲۲ خرداد در زندان شماره ۲ قصر، جدا از دیگر یاران زندانی شد. در این دوره، به ده سال زندان محکوم گردید. وی پس از محکومیت، برنامه تربیتی و سازندگی خویش را در محیط زندان برای زندانیان شروع کرد و در حقیقت مدتی توانست زندان را به مکتب درسی تبدیل کند.

هفته‌ای سه شب تفسیر قرآن داشت. تألیف سه جلد تفسیر «پرتویی از قرآن» و تکمیل کتاب «اسلام و مالکیت» از آثار سال‌های زندان پس از خرداد ۱۳۴۲ وی می‌باشد.

حدود چهار سال از مدت زندانی شدن طالقانی گذشته بود که رژیم پهلوی سرانجام بر اثر فشار افکار عمومی و واکنش‌های بین‌المللی او را در سال ۱۳۴۶ آزاد نمود. در سال ۱۳۴۸ در خطبه نماز عید فطر، ضمن یک سخنرانی پرشور به بحث درباره خلقت انسان، بعثت پیامبران و برقراری حکومت اسلامی پرداخته و در پایان، نظر مردم را به مسئله فلسطین جلب نمود.

طالقانی علاوه بر دغدغه تحول فکری و اندیشه‌ای مردم و جوانان ایران، دغدغه سرنوشت مسلمین جهان را نیز داشت؛ از این رو در سال ۱۳۴۹ همانند سال ۱۳۴۸ درباره فلسطین صحبت نمود و در عید فطر همان سال، فطریه را برای مسلمانان آواره فلسطین جمع‌آوری کرد. در عید فطر سال بعد (سال ۱۳۵۰) مأموران رژیم خانه آیت الله طالقانی را به محاصره درآورده و مانع ورود او به مسجد شدند و یک ماه بعد او را به زابل تبعید کردند. رژیم شاه تحت تأثیر فشارهای علما و شخصیت‌های مذهبی و با در نظر گرفتن مصالح خاصی که طبق آن مأموران محلی رژیم، اقامت ایشان را در زابل خلاف مصلحت می‌دانستند، در حکم صادره برای وی تجدید نظر نموده و با تقلیل در آن، محل اقامت اجباری ایشان را از زابل به «بافت کرمان» تغییر دادند و طالقانی بالاخره، پس از ۱۸ ماه دوری از تهران، در خرداد ماه ۱۳۵۲ به تهران باز می‌گردد. با تظاهرات طلاب حوزه علمیه قم در سالروز قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۵۴ حدود



۳۵۰ تن از طلاب دستگیر و تعدادی از آنان به سربازی و تعدادی دیگر به زندان‌های شاه روانه شدند. حامیان این جریان نیز یکی پس از دیگری دستگیر شدند، طالقانی هم در پائیز ۱۳۵۴ دستگیر و پس از محاکمه با ده سال محکومیت به زندان منتقل شد.

مبارزات مردم مسلمان به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ اوج گرفت و پایه‌های سلطنت لرزان شد، و رژیم برای کاستن فشارهای سیاسی داخلی و خارجی علیه خود، به آزاد کردن مبارزان پرداخت. طالقانی نیز در شامگاه هشتم آبان‌ماه ۱۳۵۷ با قیام خونین و حماسه‌آفرین ملت ایران، از زندان قصر آزاد گردید. وی پس از آزادی از زندان ضمن برقراری ارتباط محدود و نزدیک با مبارزان و هم‌زمانش، با رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام که در آن زمان در نوفل لوشاتو فرانسه مقیم بود، همواره در تماس بود و مشاوره‌های لازم را با رهبری انقلاب انجام می‌داد و به هدایت جریان امور در داخل کشور می‌پرداخت.

وی با هماهنگی با رهبری انقلاب به رغم وجود حکومت نظامی، در تاسوعای حسینی سال ۱۳۵۷ اعلان راهپیمایی نمود تا به این وسیله حکومت نظامی را در هم بشکند و قدرت مسلمان ایران را به جهانیان بنماید.

پس از پیروزی انقلاب، وی هم‌چنان در صحنه‌های انقلاب حاضر بود و از سوی حضرت امام به عنوان نخستین امام جمعه تهران برگزیده شد و در خطبه‌های نماز جمعه، به ابعاد مختلف مسائل فرهنگی - سیاسی پرداخت.

وی در عشق به امام و ولایت و رهبری امام خمینی علیه السلام وفادار بود و همگان را به آن ترغیب و تشویق می‌کرد. در یکی از سخنانش چنین گفت: «من رهبری قاطع ایشان [امام خمینی علیه السلام] را برای خود پذیرفته‌ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن و اسلام، مشی من خارج نباشد». (شکوری، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲).

سرانجام بعد از پنجاه سال تلاش مداوم برای احیای اسلام و به صحنه آوردن قرآن و عمل به سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پس از عمری مبارزه با استعمار، استبداد و به جان خریدن انواع شکنجه‌ها، تلخی‌ها و محرومیت‌ها، با ایمانی راسخ به خدا و هدف‌های اسلامی، بر اثر سکتة قلبی در ساعت ۱/۴۵ دقیقه بامداد روز ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت و به سوی معبود خویش شتافت.

([www.bashgah.net/index.php](http://www.bashgah.net/index.php))

### مجاهدت و تأثیرگذاری عمیق

نام آیت الله طالقانی یادآور نیم قرن حماسه، مقاومت، مجاهدت، سعه صدر، استبدادستیزی، عدالت‌گرایی و آزادیخواهی است. نام او همراه با اخلاص، تعبد و نوگرایی دینی بوده و سیاست و دیانت را چنان عجین و پیوند خورده به هم می‌دانست که جهت‌گیری اصلی تمام مراحل مبارزاتی و فعالیت‌های

عقیدتی و تبلیغی و تدریسی‌اش متوجه مبارزه با بی‌دینی، بی‌عدالتی و استبداد طاغوتی بود. در زمان تحصیل، سپس تدریس و تبلیغ، بی‌مهابا و با شجاعت تمام، آن‌چه را که دریافت‌ه بود به دیگران انتقال می‌داد و برای احیای اندیشه‌های اصیل اسلامی از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید. افق بلند دید او نه تنها ایران بلکه کشورهای اسلامی دیگر را نیز در برمی‌گرفت و او برای انجام وظایف دینی خود و نسل جوان زمانه‌اش از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کرد؛ به گونه‌ای که در حساس‌ترین مقاطع سیاسی - اجتماعی دوران حیات خویش حضوری فعالانه و آگاهانه داشت و از جریان‌های دهه ۱۳۲۰ هـ. ش گرفته تا ملی شدن صنعت نفت و حرکت فدائیان اسلام و ... در میدان اصلی مبارزه و جهت‌گیری و موضع‌گیری‌های روشن‌گرانه بود. بی‌تردید او نمونه‌ای عالی و اسوه‌ای حسنه از یک روحانی مبارز بود که در خط مبارزه و نهضت شیوه‌ای کم‌نظیر داشت.

آیت الله طالقانی در ایام مبارزه، با سعه صدر، محبت زیاد و مصلحت‌اندیشی‌های سنجیده و به جای خود معتقد بود که فعلاً باید همه را جذب کرد و با طرح وحدت و یک‌پارچگی همه گروه‌ها و سازمان‌ها و اقشار مختلف مردم در راه رسیدن به هدف عالی که همانا ساقط کردن طاغوت و طاغوتیان بود، همواره تلاش می‌کرد؛ از این رو بسیاری را که حتی از لحاظ فکری و عقیدتی نیز نمی‌پسندید، اما با آنها در راه مبارزه و رسیدن به هدف اصلی هم‌جهت بود می‌پذیرفت و تحمل می‌کرد.

مرحوم طالقانی هم‌چون سایر مبارزان راه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، سال‌ها رنج زندان و درد شکنجه و تبعید نظام ستم‌شاهی را به جان خرید و در خط واحد و منسجم با رهبری انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام، اندیشه‌های متعالی او را دنبال می‌کرد. متابعت آیت‌الله طالقانی از امام راحل علیه السلام در تمام مراحل مبارزه و نهضت و آثار معنوی حضور آن بزرگوار در میان زندانیان و مبارزان در بند رژیم پهلوی آن‌چنان برای پیشبرد اهداف انقلاب مهم و تعیین‌کننده بود که امام امت، با تعبیری با مسما، از مرحوم طالقانی به عنوان «ابوذر زمان» یاد کردند. وقتی آن دو بزرگوار در پی پیروزی انقلاب و پس از مدت مدیدی به ملاقات هم شتافتند، آن‌چنان هم‌دیگر را در آغوش گرفتند که از رابطه‌ای قلبی و معنوی و صمیمی بین آن دو حکایت می‌کرد.

تیزبینی و نکته‌سنجی‌های مرحوم طالقانی چنان عمیق و از روی بصیرت بود که در آن مقطع حساس بارها و بارها ضمن تأکید بر وحدت و هم‌دلی، همگان را متوجه عظمت انقلاب اسلامی می‌ساخت. وی در یک سخنرانی خطاب به اقشار مختلف جامعه می‌گوید:

«برادران، خواهران، فرزندان امروز در شرق و غرب دنیا چشم به شماها دوخته است... از هر جای دنیا متوجه‌اند و منتظرند که ما چه می‌کنیم، امیدواریم که بتوانیم این مسئولیت عظیم تاریخی را نه درباره خودمان، بلکه برای سرنوشت دنیایی که زیر سلطه است، ما بتوانیم در آن مؤثر باشیم... انقلاب اسلامی ما باعث یک تکان فکری و اجتماعی در کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف شده است.» (روزنامه ایران، شماره ۴۲۶۷).

## اهتمام به مسائل جهان اسلام

آیت‌الله طالقانی افزون بر حساسیت نسبت به امور معنوی جامعه و نیز جوانان و وقایع سیاسی و اجتماعی ایران، به مسائل جهان اسلام نیز اهمیت می‌داد؛ برای مثال، وی عضو هیئت مدیره «جمعیت اتحادیه مسلمین ایران» بود که در مسائل سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی اعلام نظر می‌کرد. هم‌چنین او از استقلال و آزادی کشمیر، الجزایر و فلسطین حمایت کرد. وی در سال ۱۳۳۱ به نمایندگی از ایران در کنگره ملت‌های مسلمان در کراچی شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۴۰ همراه هیئتی دیگر، در کنگره عمومی اسلامی در بیت‌المقدس حضور یافت و به عنوان رئیس جلسه ششم، از ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی و خطر استعمار و صهیونیسم سخن گفت. (بگاہ حوزہ، شماره ۱۹۱، ۲۵ شهریور ۱۳۸۵).

## مفسر و روشن فکر قرآنی

آیت‌الله طالقانی از سال ۱۳۱۸ هـ. ش که از قم به تهران بازگشت، به رغم مخالفت‌هایی که وجود داشت، تفسیر قرآن را آغاز کرد. او از مہجوریت قرآن و فقدان نقش آن در عمل و زندگی مسلمانان ناخشنود بود و معتقد بود باید قرآن از گوشه قفسه‌ها و سر قبرها و مجالس ختم و زوایای انزوا خارج گردد. وی بر این باور بود که «لز خصایص درک قرآن این است که بعضی مسائل و حقایق قرآن در ضمن حرکت برای انسان تبیین می‌شود، نه نشستن در گوشه‌ای و این تفسیر و آن تفسیر و این بیان و آن بیان را مطالعه کردن و اینها را جمع کردن». (بگاہ حوزہ، شماره ۱۹۱). در جو جامعه آن روز که رژیم پهلوی به صورت مستقیم و غیرمستقیم سعی در مہجور نمودن قرآن و تعالیم آسمانی اسلام داشت چنین تلاشی، اهمیت زیادی داشت. فعالیت تبلیغی و فرهنگی در سایه پرتو قرآن بود که آیت‌الله طالقانی را واداشت تا کتاب «پرتویی از قرآن» را - به عنوان تفسیر روان و ساده از قرآن - در زندان به نگارش درآورد. در زندان، منابع پژوهشی در دست نبود که مجموعه تفسیر قرآن وی بر اساس آن تدوین گردد، از این رو، استنادات آن کمتر و تراوشات فکری وی در آن بیشتر است. او رویکردی تفسیری داشت که به تفسیر علمی و اجتماعی قرآن ناظر بود. این مسئله از سویی به زمانه طالقانی باز می‌گردد که اندیشه تعارض علم و دین در آن به صورت جدی مطرح بود و از سویی، به آن علت بود که وی به توافق علم و دین و عدم تفکیک سیاست و دین عقیده داشت. البته طالقانی معتقد نبود که در تفسیر علمی به هر نظریه لِرزان و جدیدی اعتماد شود، تا جایی که به بیان مستقل قرآن توجه نکرده و آیات را با آن نظرها تطبیق و تأویل نمایند، بلکه معتقد بود: «قرآن کتاب علمی به مفهوم این زمان نیست، بلکه کتاب هدایت است» و عقیده داشت که اگر کتابی از آسمان بیاید و همه اسرار خلقت را بیان کند، سیر تکاملی انسان را فلج کرده است، زیرا علل و نوامیس عالم، باید به تدریج به روی انسان گشوده شود و دین برای فطریات و تنظیم نفسانیات و اجتماعیات است. (بگاہ حوزہ، شماره ۱۹۱).

## اندیشه‌های وحدت‌گرایانه

آیت‌الله طالقانی با آمیزش علم و عمل در کنار فعالیت‌های علمی و تبلیغی، اندیشه‌های قرآنی‌اش را در زمینه سیاسی و اجتماعی به منصفه ظهور رسانید. وی که از پیشگامان روشن‌فکری دینی بود، مردم را به اسلام جدید حیات یافته فرا می‌خواند و در بخش تدوین و تألیف و تدریس و تبلیغ، اندیشه‌های وحدت‌گرایانه خویش را ابراز داشته است. در زیر نمونه‌هایی از اندیشه اتحاد و انسجام اسلامی و پیوند و هماهنگی اقشار گوناگون ملت مسلمان را که از وی به یادگار مانده است، مرور می‌کنیم:

- در بخشی از پیام آیت‌الله طالقانی در دعوت مردم مسلمان (شیعه و سنی) به وحدت آمده است: «ما می‌دانیم که مسئله ولایت و ایمان به شخصیت و ولایت علی علیه السلام از اصول شیعه است، از مبانی شیعه است، ولی همین را هم نباید اگر اختلاف‌انگیز باشد مطرح کنید، چه رسد به این که مسلمان‌ها، در مقابل هم با شعار اسلام، با تلاوت آیات، صف‌بندی کنند.» (مجله امت اسلامی، سال اول، شماره ۱۳).

- وی عقیده داشت بیگانگان که مخفیانه به شدت مشغول تحریک و کید هستند، از همین اختلاف‌ها و صف‌بندی‌ها و موضع‌گیری‌ها استفاده خواهند کرد. (پیشین).

- آیت‌الله طالقانی در سخنرانی آخر خود، این‌گونه دعا کرد: خداوندا! رهبر عظیم ما را که فرزند علی علیه السلام است تأیید فرما. خداوندا! او را که وسیله وحدت ماست، موفق و سالم بدار. (سخنرانی در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۰ ق، کاخ سعدآباد، مجله امت اسلامی، سال دوم، شماره ۳۳).

- وی که خود اولین امام جمعه تهران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی) بود، نماز جمعه را مظهر وحدت می‌دانست و می‌گفت: نماز جمعه و اجتماعات بسیار پرشکوه و پرمعنا، این برکات وحدت، وحدت در هدف، وحدت در رهبری، همه اینها برکت و خیر بود برای ما. (پیشین).

- در نگاه وی، علت گرفتاری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها، همان تفرقه در میان امت اسلام است. (دائرةالمعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۴۲).

- مرحوم طالقانی، از خطراتی که جهان اسلام را تهدید می‌کرد نگران بود. در رأس این خطرات دولت اسرائیل قرار داشت که در قلب سرزمین‌های اسلامی و با حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی با ترور و سرکوب و بی‌خانمان کردن مسلمانان منطقه در سرزمین مقدس فلسطین تأسیس شده بود. (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲).

## تلاش‌های وحدت‌آمیز

علاوه بر مبانی فکری و اندیشه‌های وحدت‌گرایانه آیت‌الله طالقانی، وی در عمل و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی گام‌های مؤثری در راه وحدت و انسجام امت و تقریب میان مذاهب اسلامی برداشته است. برخی از تلاش‌های وحدت‌آمیز وی عبارت است از:

- حمایت از تأسیس «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه». وی در این مورد می‌نویسد: راه تقرب، که جمعی از علمای بیدار و مجاهد پیش گرفته‌اند همین است که با نور تفکر، محیط ارتباط اسلامی را روشن سازند و با نوک قلم، باقیماندهٔ ابرهای تاریک را از افق فکری مسلمانان زایل گردانند، تا وحدت واقعی پا بگیرد، نه اتحاد صوری و قراردادی. (مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۳۸۶، ص ۴۱۰).

- شرکت در کنفرانس‌های مؤتمر اسلامی، شامل: مؤتمر شعوب المسلمین (کراچی ۱۳۳۱ ش)، مؤتمر اسلامی قاهره (۱۳۴۰ ش) و مؤتمر اسلامی فلسطین (۱۳۲۸ ش).

آیت‌الله طالقانی خاطره خود را از شرکت در کنگرهٔ اسلامی فلسطین چنین بیان می‌کند:  
«در سال ۱۳۲۸، اولین سفری که به مؤتمر فلسطین رفتم، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می‌اندیشیدم. از کشورهای اسلامی و عربی [نمایندگانی] به کنفرانس آمده بودند ولی بعضی فقط حماسه می‌خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غضب شده داشتند. از نزدیک افسردگی، ظلم، حق‌خوردگی مردم فلسطین را می‌دیدم که چگونه اینها مورد رعایت و مورد انفاق سازمان ملل و همان دنیا و کشورهای واقع شده‌اند که اینها را آواره کرده‌اند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک کردند».

مرحوم آیت‌الله طالقانی بیست سال پس از آن تاریخ در خطبهٔ نماز عید سعید فطر ۱۳۴۸ به مسئله فلسطین پرداخت و ضمن آگاه کردن مردم نسبت به ستم رفته بر برادران و خواهران مسلمان فلسطینی و یادآوری مسئولیت آنان در این مبارزه، از مردم ایران خواست تا فطریه‌هایشان را برای کمک به مبارزان مسلمان بدهند و خود نیز چنین کرد. (رجبی، پیشین، ص ۳۰۲).

- تشویق آیت‌الله العظمی بروجردی جهت تأسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه.

- مسافرت به کشورهای اسلامی بنا به توصیهٔ حضرت آیت‌الله بروجردی.

- ترجمهٔ کتاب تحلیلی و پر ارزش «علی بن ابیطالب علیه السلام» تألیف یک مسلمان سنی با انصاف، از کشور مصر. (پیشین، ص ۴۴۳).

- شرکت در کنفرانس بیت‌المقدس در سال ۱۳۳۸ به همراه میرزا خلیل کمره و سفر به مصر جهت رساندن پیام آیت‌الله بروجردی به شیخ شلتوت (مفتی الأزهر).

### منابع و مآخذ:

- ۱ - افراسیابی، بهرام، پدر طالقانی در زندان، جنبش، تهران، ۱۳۵۹.
- ۲ - تمری، محمدرضا، زندگی و مبارزات سیاسی آیت‌الله طالقانی به روایت اسناد، سایت [www.tebyan-hamedan.ir](http://www.tebyan-hamedan.ir)
- ۳ - د/نثره/معارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۴ - رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- ۵- شکوری، ابوالفضل، سیره صالحان، انتشارات شکوری، قم، ۱۳۷۴.
- ۶- مؤسسه امام هادی علیه السلام، اتحاد و انسجام، انتشارات پیام امام هادی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- 7 - [www.bashgah.net/index.php](http://www.bashgah.net/index.php).
- 8 - <http://kimiaairline.blogfa.com/post46.aspx>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فنايش الحقب

سال پنجم / شماره نوزدهم